

پاکستان سرزمین سوءمدیریت‌های سیاسی

بهاره محبی

پس از چندروز فلج‌شدن اسلام‌آباد، نوازشریف نخست‌وزیر پاکستان درخواست معترضان خشمگین که در تظاهرات‌های خوشن‌آمیز خواستار استعفای وی بودند را رد کرد. اما اگر در همین روز رویارویی سیاسی طرف‌های درگیر در پاکستان به پایان می‌رسید باز برای بحران عمیق سیاسی در این کشور پایانی نبود.

نوازشریف که رهبری حزب محافظه‌کار و حامی تجارت «مسلم لیگ» که مقرش در استان پرجمعیت پنجاب است را برعهده دارد موفق شده تااکثریت کرسی‌های پارلمان را در انتخابات سال گذشته به دست بیاورد.

به نظر می‌رسد که یک اتفاق‌نظر در طیف سیاسی پاکستان در حال شکل‌گیری است و آن اینکه سیستم شکننده دموکراسی در این کشور بی‌ثبات نباید از خط خارج شود. اما درباره دلایل این بی‌ثباتی از جمله تروریسم، رکود اقتصادی و درگیری‌های قومی و فرقه‌ای هیچ صحبتی نشده است.

تظاهرات‌های اخیر توسط عمران‌خان، قهرمان سابق کریکت و طاهر القادری، روحانی مقیم کانادا، سازماندهی شده است. این رهبران سیاسی که پایگاه اجتماعی‌شان به‌طور مشخص طبقه متوسط شهری است، خواستار اصلاحات سیاسی و اجتماعی هستند، حتی اگر روی آنچه اصلاحات می‌نامند اتفاق‌نظر نداشته باشند. در مقابل سبک حکومتاری نوازشریف، که اغلب تمایل دارد تا از دوستان و خوشاوندانش در مناصب کلیدی حکومتی استفاده کند، از نظر بسیاری از پاکستانی‌ها قابل‌قبول نیست. احمد همایون، عضو شورای آتالنتیک جنوب آسیا، نیز در این‌باره می‌گوید: «اقدامات نوازشریف برای برقراری ثبات اقتصادی در این کشور تاکنون مثبت بوده است اما تأثیرش در زندگی روزمره بیشتر پاکستانی‌ها هنوز کاملاً نمایان نشده است. یکسال پس از روی‌کارآمدن دولت جدید، کمبود برق همچنان یکی از واقعیت‌های هرروزه زندگی پاکستانی‌هاست و بسیاری از مردم از عملکرد دولت شریف ناامید شده‌اند.»

شریف همچنین هیچ تمایلی برای تلاش به‌منظور به‌حاشیه‌راندن تمامی مخالفان ندارد. ضمن اینکه رویکرد مقابله‌طلبانه‌اش در برابر ارتش همیشه‌قدرتمند پاکستان باعث شده تا بسیاری از سیاستمداران به صف حمایت از وی بپیوندند. به نظر می‌رسد که اکنون بیشتر کارشناسان پاکستانی موافق این مساله هستند که عمران‌خان و طاهر القادری بدون حمایت و تشویق ارتش جسارت به‌چالش کشیدن نوازشریف در کف خیابان‌های اسلام‌آباد و لاهور را نداشتند. ارتش بیش از ۳۳سال است که بر پاکستان حکومت کرده و همواره در پشت صحنه حکومت‌های غیرنظامی، از تقسیم قدرت گرفته تا تشکیل احزاب سیاسی نقش پررنگی داشته است. نظامیان همچنین هر‌جا که مخالف سیاست‌های دولت غیرنظامی بوده و آنان را غیرملی دانسته‌اند با راهاندازی کمپین‌هایی علیه چهره‌های سیاسی تلاش کرده‌اند تا این سیاست‌ها را تغییر دهند.

ارتش همواره تأکید کرده که هیچ دستور کار سیاسی‌ای ندارد. اما در زمان برپایی تظاهرات‌ها حضور ژنرال‌های بازنشسته ارشد در بطن ماجرا به‌همراه تجربه تاریخی مداخله نظامیان در امر حکومتاری در این کشور باعث بدبینی به نقش ژنرال‌ها در تحولات سیاسی می‌شود. علاوه بر این جواد هاشمی، مشاور نزدیک عمران‌خان و دبیر حزب تحریک انصاف اکنون آشکارا عمران‌خان را منتهم کرده که توسط نظامیان ارشد پاکستانی حمایت می‌شود. این داستانی که در پاکستان بارهاوبارها در تاریخ ۶۷ساله خود آن را تکرار کرده است و غمبار اینکه یک جزو کلیدی اختلال در عملکرد سیاسی این کشور همین است.

عمران‌خان ادعا می‌کند که خواستار برگزاری انتخابات پیش از موعد است زیرا آرایه که نوازشریف را به قدرت رسانده تقلبی بوده است. طاهر القادری نیز می‌گوید خواستار انقلاب در پاکستان است چرا که فساد کشور را فراگرفته است. اما او نیز هر گز به این پرسش پاسخ نداده که چرا پس از یک‌دهه، درست این زمان را برای بازگشت از کانادا انتخاب کرده است؛ درست زمانی که عمران علم مخالف در دولت را بلند کرده است. فساد در پاکستان امری نیست که تنها این تابستان شروع شده باشد. کارشناسان بسیاری به‌طور کاملاً بدبینانه معتقدند اعتراض‌ها هم‌زمان با بازنشستگی قریب‌الوقوع پنج ژنرال ارشد از

چالش اساسی «اسلام‌آباد» حاکمیت قانون است



جمله ظهیرالاسلام، رییس اداره استخبارات است. در پاکستان نخست‌وزیرها که همواره با چالش‌های سیاسی متعددی روبه‌رو هستند، ترجیح می‌دهند تسا برای حفظ منافع خود و ماندن در اریکه قدرت فرماندهان ارشد نظامی و امنیتی را در دولت به کار گیرند. دولت پیشین اصف‌علی زرداری در زمان تصمیم‌گیری درباره جایگزینی ژنرال‌های سرویس‌های اطلاعاتی نیز با مشکلات فراوانی روبه‌رو شد.

شاید نوازشریف در سایه وعده اصلاحات اقتصادی، بهبود روابط با هند و شادی ناشی از نخستین انتقال قدرت بدون کودتا در طول تاریخ پاکستان به پیروزی رسید اما واقعیت این است که زمان این وعده‌ها و سرخوشی به پایان رسیده است.

بزرگ‌ترین بحران پاکستان این است
که بیشتر باز یگران عرصه سیاسی حاضر نیستند
بر اساس قوانین از پیش تعیین شده بازی و مطابق با قانون
اساسی این کشور عمل کنند. ارتش پاکستان درک نمی‌کند
که دخالتش در امور سیاسی چیزی جز بی‌ثباتی
بیشتر را به همراه ندارد

بی‌نظمی و بی‌ثباتی اخیر بار دیگر بحران همیشگی سیاسی در پاکستان را برجسته کرده است. به‌رغم بازنویسی قانون اساسی، این کشور از زمان استقلال در سال ۱۹۴۷ تاکنون سه بار قانون اساسی خود را بازنویسی کرده و بارها اصلاحاتی را در آن انجام داده است و هنوز تا داشتن یک سیستم سیاسی سازگار و پیشرفته و تشکیل یک دولت مستقل راه درازی در پیش دارد. قطبی‌شدن سیاسی میان اسلامگرایان و سکولارها، مردم و نظامیان و همچنین گروه‌های سیاسی و قومی همچنان ادامه دارد. برای اغلب طرف‌های سیاسی همکاری با یکدیگر یا تمکین به قانون دشوار است. هر ازگاهی یک یا چند حزب سیاسی با متمایل شدن به نظامیان از مشاوره‌های عوامل نظامی یا امنیتی در پشت پرده استفاده می‌کنند. به همین دلیل رقابت‌های سیاسی نظیر آنچه امروز میان عمران‌خان و طاهر القادری از

پیروزی ارتش، این بار بدون کودتا

حسین حقانی . سفير سابق پاکستان در آمريکا

مخالف و برخی عوامل داخلی ارتش شگفت‌زده نمی‌شود. ارتش پاکستان خود را سرپرست نهایی کشور می‌داند، سرپرستی که مقید به تسلیم در برابر تصمیم‌های دولت برآمده از رای مردم نیست.

اصف‌علی زرداری، سلف بلافضل شریف هم با دسیسه‌های مشابهی روبه‌رو بود اما مهارت بیشتری برای کنترل آنها داشت. زرداری با هر دشواری که بود دوره پنج‌ساله رییس‌جمهوری خود را به پایان رساند. اکنون نیز ارتش به وضوح تمایل دارد تا از کودتای آشکار در پاکستان بپرهیزد. ولی بن‌بست سیاسی امروز در اسلام‌آباد و رویارویی نوازشریف و عمران‌خان ارتش را در شرایط دشواری قرار داده است. به‌ویژه اینکه هر دو طرف دعوا (شریف و عمران‌خان) در یک‌دندگی و معاندت سیاسی شهره هستند. تحصن هواداران عمران‌خان در محوطه خارجی پارلمان که فداییان طاهر قادری نیز به آن پیوستند شرایط را برای میانجیگری و ورود ارتش به صحنه فراهم کرد. دقیقاً شرایط مشابهی در سال ۱۹۹۳ میلادی، استعفای نوازشریف را در پی داشت و باعث شد که اولین دوره نخست‌وزیری وی پیش از موعد مقرر به پایان برسد. نوازشریف در



جهان

نگاه

نظامیان از نفس افتاده توان کودتا ندارند

با بالاگرفتن تنش‌ها در اسلام‌آباد بسیاری بر این عقیده‌اند که عمران‌خان و طاهر القادری بدون چراع سبز ارتش نمی‌توانستند تا اینجا پیش بروند و نظامیان می‌خواهند با داغ‌کردن تنور تنش‌های سیاسی زمینه را برای یک کودتای نظامی فراهم کنند. اما توجه به برخی از واقعیت‌ها کافی است تا نادرستی این نظریه اثبات شود. در حال حاضر، ارتش پاکستان درگیر یک جنگ فرسایشی با طالبان پاکستانی است؛ نبردی که ژنرال‌های پاکستانی در آن دستاوردی نداشته‌اند. عملیات اخیر در وزیرستان شمالی چندان موفق نبوده است. این‌روزها هیچ گزارشی از پیشروی ارتش به سمت روستاهای شمال از جمله میران‌شاه و میرعلی، منتشر نشده است.

ارتش پاکستان هم به هیچ خیرنگاری اجازه نمی‌دهد که به این مناطق برسد و در مورد عملیات ارتش علیه طالبان پاکستانی گزارش تهیه کند؛ از این بات رسانه‌های پاکستانی هم شاکي هستند. روزنامه انگلیسی‌زبان «دان» چاپ اسلام‌آباد در سرمقاله روز جمعه‌اش، با انتقاد از نحوه اطلاع‌رسانی در مورد عملیات ارتش در وزیرستان شمالی، این عملیات را جنگ فراموش‌شده خوانده است. روشن است که اگر ژنرال‌های پاکستانی در این نبرد دستاوردی می‌داشتند، خودشان روزنامه‌نگاران و تصویربرداران تلوزیون‌ها را به روستاهای وزیرستان شمالی می‌برند و نت عملیاتی «ظفرمنده» ارتش را پوشش دهند.

نفس خاموشی رسانه‌ها در مورد عملیات وزیرستان شمالی نشان‌دهنده این حقیقت است که این عملیات هم اریه عملیات‌های سال ۲۰۰۴ میلادی ارتش، دستاورد چندانی ندارد. به‌نظر می‌رسد که دسته‌های شبه‌نظامی طالبان پاکستانی که از حمایت روستائیشان قیایی، برخوردار هستند، به‌سختی در برابر ارتش مجهز پاکستان مقاومت می‌کنند. علاوه‌بر آن، این عملیات سبب توقف عملیات‌های تروریستی طالبان پاکستانی نشده است. چندی پیش، دو فرودگاه در اطراف شهر کویتسه، مورد حمله تروریستی قرار گرفت. این حمله نشان می‌دهد که طالبان پاکستانی، علاوه بر اینکه در وزیرستان شمالی در برابر ارتش پاکستان می‌جنگند، قابلیت راهاندازی حملات تروریستی را نیز از دست ندهاده‌اند. راهاندازی عملیات نظامی در وزیرستان شمالی، هر نوع مذاکره با طالبان پاکستانی را به معنی کرد. انتظار بسیاری از مردم که ارتش پاکستان این‌بار در وزیرستان شمالی، شبیه عملیات سوات در سال ۲۰۰۹ میلادی عمل می‌کند، در آن عملیات ارتش پاکستان توانست دره‌های بونیر و سوات را از کنترل طالبان خارج و نظم اداری را در آن مناطق برقرار کند.

اما در مورد وزیرستان شمالی، تاکنون خبری از دستاوردهای چشمگیر ارتش پاکستان منتشر نشده است. بنابراین گرفتاری‌های ارتش پاکستان آنقدر زیاد است که دیگر توان آن را ندارد تا با راهاندازی یک کودتای نظامی، مسؤولیت‌های حکومت را هم به‌دوش بگیرد. ارتشی که در میدان جنگ دستاوردی ندارد، نمی‌خواهد با ورود به عرصه سیاست، ناکامی ضاعفی را برای خودش رقم بزند، نه‌آنکه در شرایطی که اقتصاد پاکستان، ورشکسته است. اما چرا ارتش مانع عمران‌خان و طاهر القادری نمی‌شود؟ واقعیت این است که ژنرال‌های لاهوریندی نمی‌خواهند مانع عمران‌خان و قادری شوند. در انتخابات سال گذشته پاکستان، بسیاری معتقد بودند که شخص موردنظر ارتش برای گزینه نخست‌وزیری، عمران‌خان بود اما نوازشریف گوی سبقت را ربود.

روشن بود که مقابله با نواز شریف؛ کسی که نفوذ سنتی در پنجاب دارد، سختی‌بردار نیست. نواز شریف پس از به‌قدرتش پیشیدن، درنده‌های زیادی را برای ارتش ایجاد کرد و نه‌تنها مانع رسیدگی به اتهام‌های پرویز مشرف نشد بلکه تلاش کرد تا با ممانعت از خروج وی، او را پای میز محاکمه بکشد. اما در **صفحه ۱۰ ادامه**

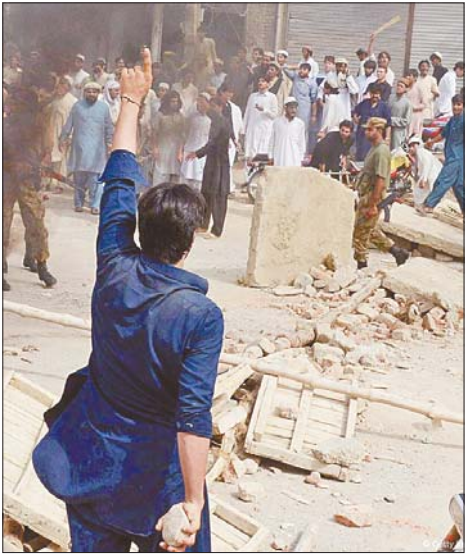
یادداشت

نواز شریف این بار خواهد ماند؟

سال گذشته، پاکستان برای نخستین‌بار در طول تاریخ بدون جنگ و کودتا و در جریان برگزاری یک انتخابات نسبتاً دموکراتیک، شاهد انتقال قدرت بود. پیروز این انتخابات، حزب نوازشریف بود که در سال ۲۰۰۷ میلادی بسا اطمینان به پیروزی‌اش در انتخابات، از تبعید به کشور بازگشته بود. نخست‌وزیر پاکستان در حال حاضر اکثریت مطلق کرسی‌های پارلمانی را در اختیار دارد؛ پارلمانی که همین چند هفته پیش با بالاگرفتن اعتراض‌ها بار دیگر بر حمایت خود از وی تأکید کرده است. به نظر می‌رسد نوازشریف موقعیت سرنوشت‌سازی برای بیرون کشیدن پاکستان از مشکلات -ازجمله احیای اقتصادی و تقویت نهادهای مدنی- داشت اما سیاست‌های کج‌خلقه‌اند دولت چندان مطابق با خواست بدنه اجتماعی پاکستان، به ویژه طبقه متوسط نبود. حال پرسش جدی این است که آیا نوازشریف این‌بار دوره ماموریت خود را کامل می‌کند یا مجبور به کناره‌گیری می‌شود. برخی از صاحب‌نظران امور پاکستان بر این باورند که نوازشریف، سیاستمداری است که در به‌دست‌آوردن قدرت مهارت دارد، اما در حفظ آن ناتوان است. این صاحب‌نظران تجربه دو دوره نخست‌وزیری نوازشریف را مدنظر دارند. شریف پیش از این، دو بار به مقام نخست‌وزیری در کشورش رسیده بود اما هر دو بار، پیش از اینکه موعد ماموریتش به پایان برسد، مجبور به کناره‌گیری شد. او از سروزیری ایالت پنجاب در سال ۱۹۹۰، به نخست‌وزیری کشورش رسید. خانواده او نفوذ سنتی در پنجاب -پرجمعیت‌ترین ایالت پاکستان- و نقش مهمی در سیاست این کشور دارد. او در سال ۱۹۹۰ علیه حزب مردم و حکومت بی‌نظیر بوتو که در آن زمان قدرت را در اسلام‌آباد در دست داشت، کارزار تبلیغاتی به‌راه انداخت و بخش‌هایی از مردم پاکستان را علیه آن بسیج کرد. پس از برکناری دولت بی‌نظیر بوتو و انحلال پارلمان، در انتخابات سال ۱۹۹۰ به پیروزی رسید. اما دیری نگذشت که اتهام مالی علیه او و حزبش بالاگرفت و احزاب مخالف او را در پارلمان به چالش کشیدند.

تنش سیاسی در سال ۱۹۹۳ با اوجش رسید ولی در آن زمان هم داده‌های آن نوازشریف حمایت کرد و خواستار دوام نخست‌وزیری او شد. اما بعد به وساطت ارتش، نوازشریف و غلام اسحاق‌خان، رییس‌جمهور وقت هر دو، مجبور به کناره‌گیری شدند، انتخابات زودهنگام برگزار شد و بی‌نظیر بوتو به قدرت رسید. نوازشریف در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ نقش مهمی در سیاست افغانی پاکستان داشت. به رهبران نبرد ضدشوروی و دولت نجیب کمک کرد تا به یک توافق سیاسی برسند و به اثر اعمال نفوذ او، حضرت صیبت‌الله مجددی، به‌عنوان زتل دولت جانشین دکتر نجیب به کابل آمد و به کرسی اقتدار تکیه زد.

همچنان شایع است که در سال ۱۹۹۳ نوازشریف در سخنرانی‌ای در پارلمان کشورش در اوج تنش‌های سیاسی، خطاب به اعضای پارلمان گفت به امنیت پاکستان، خدمت فراوان کرده و بر اثر تلاش‌های او بوده که ارتش نیرومند افغانستان -که متحد طبیعی هند و روسیه بود -فرو پاشیده است. جنگ‌های جهادی در کابل و سخنان منسوب به نوازشریف درمورد فروپاشی ارتش نیرومند دوران دکتر نجیب، نوازشریف را به چهره‌ای بسیار نامحبوب در افغانستان بدل کرد. اما با وجود همه اینها، نوازشریف در سال ۱۹۹۳ از کار برکنار و انتخابات زودهنگام برگزار شد و بی‌نظیر بوتو به قدرت رسید.



از سال ۱۹۹۳ تا سال ۱۹۹۶ نوازشریف، اپوزسیون حکومت بی‌نظیر بوتو بود. در همین دوران بود که طالبان به‌عنوان یک سازمان سیاسی ساخته شد و بخش‌های مهم افغانستان را اشغال کرد. نصیرالله بابر و مولانا فضل‌الرحمان، با همکاری دولت بی‌نظیر بوتو در ایجاد پروژه طالبان نقش عمده‌ای داشتند. در این مورد ده‌ها کتاب و مقاله نوشته شده است، اما در هیچ‌یک از کتاب‌ها و مقالات، از نقش نوازشریف در پروژه طالبان سخنی به میان نیامده است. نوازشریف در سال ۱۹۹۶ پس از آنکه فارق لغاری، پارلمان وقت پاکستان را منحل کرد و انتخابات زودهنگام برگزار شد، دوباره به قدرت رسید. او این‌بار تا سال ۱۹۹۹ حکومت کرد.

او در این دوران نیز کوشش فراوان کرد تا پایگاه مردمی قدرتش را مستحکم کند. در آن زمان ارتش که در راس آن پرویز مشرف بود، از نوازشریف خواسته بود در برابر فشارهای آمریکا در مناقشه کشمیر باایستد اما ظاهراً نوازشریف با پروژه ارتش برای گسترش جنگ در کشمیر موافق نبود. نوازشریف در آن زمان، دست به قمار خطرناک زد. او مشرف را از کار برکنار و به‌جای او ضیاءالدین را به ریاست ستاد ارتش منصوب کرد. این اقدام نوازشریف که تلاش آشکار برای کنترل ارتش بود، ژنرال‌ها را به خشم آورد و آنان با راهاندازی یک کودتا، حکومت او را سرنگون کردند. حالا هم روشن نیست که نوازشریف می‌تواند دوره ماموریتش را تمام کند یا مجبور به کناره‌گیری می‌شود. ارتش در حال حاضر به‌دلیل جنگ با طالبان در موقعیتی نیست که دست به کودتا بزند. دیوانوالی پاکستان هم انحلال پارلمان پاکستان را که خواست اصلی مخالفان نوازشریف-عمران‌خان و طاهر القادری- است، غیرقانونی خواهد است.

برخی معتقدند در انتخابات ۲۰۱۳، گزینه ارتش عمران‌خان بود، اما او نتوانست از سد مردمی نوازشریف عبور کند. اکنون اگر پشت‌سر تلاش‌های عمران‌خان و طاهر القادری در ارتش پاکستان باشند، برای نوازشریف دشوار است که با آنان مقابله کند و اگر ارتش پاکستان تصمیم گرفته باشد که باز هم نوازشریف را از اریکه قدرت به زیر بکشد، این احتمال وجود دارد که مانند سال ۱۹۹۳، میانجیگری ارتش منجر به کناره‌گیری نوازشریف و برگزاری انتخابات زودهنگام شود.

منبع:روزنامه هشت صبح افغانستان